

- Submit Date: January 5, 2025
- Revise Date: January 5, 2025
- Accept Date: January 21, 2025
- Publish Date: May 26, 2025

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Support for Crime Victims in Light of the Institution of Diyyah: A Jurisprudential and Criminological Perspective

Omid Mohammadinia¹, Mohammad Javad Fathi², Abbas Mansourabadi^{*3}

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Law, Faculty of Literature and Humanities, Vali-Asr University of Rafsanjan, Kerman, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi Faculty, University of Tehran, Qom, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran.

* Corresponding Author's Email: behmansour@ut.ac.ir

ABSTRACT

With the transformation of criminal justice approaches from an exclusive focus on the offender toward the restoration of victims' rights, attention to mechanisms for compensation—particularly within the framework of restorative justice—has gained increasing importance. The institution of diyyah (blood money), as one of the most deeply rooted instruments of compensation in Islamic jurisprudence and Iranian criminal law, possesses the capacity to support victims not only as a tool for material redress but also within a restorative, moral, and even psychological framework. This article, using a descriptive–analytical method and drawing on jurisprudential sources and modern criminological theories, endeavors to demonstrate that diyyah, beyond its financial function, can provide a foundation for reconciliation, social relationship restoration, and the rehabilitation of the victim's dignity—especially when accompanied by components such as apology, restorative dialogue, and the participation of supportive institutions like the Diyyah Headquarters (Setad-e Diyyah). Within this framework, Qur'anic and jurisprudential teachings, emphasizing peace, forgiveness, and reparation, along with peace-oriented criminology and victimology theories, provide the theoretical grounding for analyzing diyyah as a restorative institution. The article also explores the feasibility of implementing methods such as victim-offender circles in the context of diyyah payments and argues that, although Iran's legal system is not yet structurally familiar with such methods, it does hold jurisprudential and legal-philosophical potential for achieving consensual justice. A comparative analysis of diyyah in jurisprudential teachings with the concept of restorative justice—as a novel idea in peace-oriented criminology—reveals that the institution of diyyah has considerable potential for protecting the bodily integrity of victims and resolving crimes through participatory and reparative means. Restorative justice, by emphasizing non-criminal and informal approaches, accords an active role to the victim, a feature that aligns with penal policies grounded in Qur'anic-jurisprudential teachings that are "non-punitive," "restorative," and "victim-centered." Accordingly, the institution of diyyah can serve as a bridge between retributive and restorative justice, effectively addressing the needs of victims in society.

Keywords: *victim, diyyah, restorative justice, apology, peace-oriented criminology, Diyyah Headquarters (Setad-e Diyyah), moral compensation.*

How to cite: Mohammadinia, O., Fathi, M. J., & Mansourabadi, A. (2024). Support for Crime Victims in Light of the Institution of Diyyah: A Jurisprudential and Criminological Perspective. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(4), 194-208.



- تاریخ ارسال: ۱۵ دی ۱۴۰۳
- تاریخ بازنگری: ۱۵ دی ۱۴۰۳
- تاریخ پذیرش: ۱ بهمن ۱۴۰۳
- تاریخ چاپ: ۵ خرداد ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

حمایت از بزه دیده در پرتو نهاد دیه از منظر آموزه‌های فقهی و جرم‌شناسی

امید محمدی نیا^۱، محمد جواد فتحی^۲، عباس منصورآبادی^{۳*}

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌های فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌های فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: behmansour@ut.ac.ir

چکیده

با تحول رویکردهای عدالت کیفری از تمرکز صرف بر بزه‌کار به سمت احیای حقوق بزه‌دیده، توجه به سازوکارهای جبران خسارت، به‌ویژه در قالب عدالت ترمیمی، اهمیت مضاعفی یافته است. نهاد دیه به‌عنوان یکی از ریشه‌دارترین ابزارهای جبران خسارت در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران، ظرفیت آن را دارد که در راستای حمایت از بزه‌دیده نه تنها به عنوان ابزار جبران مادی، بلکه در چارچوبی ترمیمی، اخلاقی و حتی روانی ایفای نقش کند. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع فقهی و نظریات نوین جرم‌شناسی، تلاش دارد نشان دهد که دیه افزون بر کارکرد مالی، می‌تواند بستر مصالحه، بازسازی روابط اجتماعی و احیای شأن بزه‌دیده باشد، به‌ویژه اگر با مؤلفه‌هایی چون عذرخواهی، گفت‌وگوی ترمیمی، و مشارکت نهادهای حمایتی نظیر ستاد دیه همراه شود. در این چارچوب، آموزه‌های قرآنی و فقهی با تأکید بر اولویت صلح، گذشت و ترمیم و نظریات جرم‌شناسی صلح‌جو و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، پشتوانه‌ای نظری برای تحلیل دیه به‌عنوان نهادی ترمیمی فراهم می‌سازند. مقاله همچنین به بررسی امکان اجرای روش‌هایی چون حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار در قالب پرداخت دیه می‌پردازد و نشان می‌دهد که هرچند حقوق ایران هنوز از نظر ساختاری با این روش‌ها آشنا نیست، اما از نظر فلسفه حقوقی و فقهی، ظرفیت‌هایی برای تحقق عدالت توافقی فراهم است. مقایسه دیه در آموزه‌های فقهی با مفهوم عدالت ترمیمی به‌عنوان اندیشه‌ای نوین در جرم‌شناسی صلح طلب، نشان می‌دهد که نهاد دیه ظرفیت بالایی در حفاظت از تمامیت جسمانی بزه‌دیدگان و حل‌وفصل مسئله جرم به شیوه‌های مشارکتی و ترمیمی دارد. عدالت ترمیمی با تکیه بر روش‌های غیرکیفری و غیررسمی، جایگاه فعالی برای بزه‌دیده قائل است و این ویژگی با سیاست کیفری مبتنی بر آموزه‌های فقهی - قرآنی که «غیرکیفری»، «ترمیمی» و «بزه‌دیده‌محور» است، هم‌راستا است. بر این اساس، نهاد دیه می‌تواند به‌عنوان پلی میان عدالت کیفری و عدالت ترمیمی، پاسخگوی مؤثر نیازهای قربانیان در جامعه باشد.

کلیدواژگان: بزه‌دیده، دیه، عدالت ترمیمی، عذرخواهی، جرم‌شناسی صلح‌جو، ستاد دیه، جبران خسارت معنوی

نحوه استناددهی: محمدی نیا، امید، فتحی، محمد جواد، و منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۳). حمایت از بزه دیده در پرتو نهاد دیه از منظر آموزه‌های فقهی و جرم‌شناسی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۴)، ۱۹۴-۲۰۸.



بزه‌دیده‌محور چیست؟ پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با اتکا به منابع فقهی، آموزه‌های جرم‌شناختی و قوانین کیفری ایران، تلاش دارد تا چشم‌اندازی تازه از نهاد دیه به عنوان پل ارتباطی میان عدالت کیفری سنتی و عدالت ترمیمی مدرن ترسیم کند.

۱. مبانی حمایت از بزه‌دیده در پرتو نهاد دیه

تحول نگاه به بزه‌دیده در نظام‌های عدالت کیفری، از رویکردی انفعالی به رویکردی فعال و حمایتی، نشانه‌ای از بلوغ اندیشه حقوقی و عدالت‌محور در جوامع مختلف است. در این میان، نهاد دیه به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای جبران خسارت‌های ناشی از جرایم علیه تمامیت جسمانی در حقوق اسلامی و قوانین کیفری ایران، محور تلاقی سه منظومه فکری: قرآن، فقه و جرم‌شناسی نوین است. از این‌رو، قسمت پیش رو در پی آن است که با بررسی تطبیقی و تحلیلی مبانی قرآنی، فقهی و جرم‌شناختی نهاد دیه، نشان دهد که حمایت از بزه‌دیده نه امری صرفاً اخلاقی یا اجتماعی، بلکه ضرورتی شرعی، حقوقی و جرم‌شناسی است که در بستر نهاد دیه به شکل عینی و مؤثر تجلی یافته است.

در این زمینه، پرسش‌های اصلی مقاله عبارت‌اند از: از منظر آموزه‌های فقهی، نهاد دیه تا چه اندازه ناظر بر حمایت از بزه‌دیده بوده و چه مبانی برای آن قابل شناسایی است؟ نهاد دیه در پرتو رویکردهای جرم‌شناسی، چگونه می‌تواند بخشی از فرآیند ترمیم آسیب و بازسازی جایگاه بزه‌دیده تلقی شود؟ آیا پرداخت دیه در قالب مصالحه و با تلفیق شیوه‌های عدالت ترمیمی، می‌تواند به جبران خسارات معنوی بزه‌دیده نیز کمک کند؟ در موارد ناتوانی بزه‌کار از پرداخت دیه، نقش نهادهایی همچون ستاد دیه در تحقق عدالت ترمیمی و حمایت از بزه‌دیده چیست؟ این مقاله با هدف پاسخ به این پرسش‌ها، تلاش دارد ضمن تحلیل تطبیقی جایگاه نهاد دیه در فقه و جرم‌شناسی، ظرفیت‌های موجود در این نهاد را

عدالت کیفری در دهه‌های اخیر از تمرکز صرف بر مجازات بزه‌کار عبور کرده و به سمت احیای حقوق بزه‌دیده و ترمیم پیامدهای زیان‌بار جرم حرکت کرده است. این تحول مفهومی، که در قالب گفتمان «عدالت ترمیمی» شناخته می‌شود، بر ضرورت جبران خسارت بزه‌دیده، بازگشت کرامت ازدست‌رفته، و بازسازی روابط آسیب‌دیده اجتماعی تأکید دارد. در این میان، یکی از سازوکارهای سنتی و ریشه‌دار در حقوق اسلامی که می‌تواند در این فرآیند ایفای نقش کند، نهاد دیه است؛ نهادی که در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران جایگاه ویژه‌ای در جبران خسارات ناشی از صدمات جسمانی دارد.

نهاد دیه در نگاه فقهی، علاوه بر جبران مادی، واجد کارکردهای اخلاقی و اجتماعی است؛ زیرا می‌تواند زمینه‌ساز گذشت، مصالحه و کاهش تنش‌های اجتماعی باشد. از سوی دیگر، جرم‌شناسی نوین نیز با تأکید بر نقش حمایت‌های ثانویه از بزه‌دیده، پرداخت دیه را نه فقط یک وظیفه مالی بزه‌کار بلکه بخشی از فرآیند ترمیم آسیب‌های وارد آمده بر بزه‌دیده می‌داند؛ به‌ویژه اگر این پرداخت در بستر مصالحه، عذرخواهی و همراه با گفت‌وگوی ترمیمی صورت گیرد.

این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌های نهاد دیه در حمایت از بزه‌دیده، می‌کوشد تا به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهد: نهاد دیه در آموزه‌های فقهی تا چه اندازه ناظر بر حمایت از بزه‌دیده است؟ چه پیوندهایی میان دیه و نظریه‌های نوین جرم‌شناسی وجود دارد؟ در پرداخت دیه از سوی بزه‌کار علاوه بر جبران خسارت مادی منجر به ترمیم صدمات معنوی نیز خواهد شد؟ آیا می‌توان با ترکیب پرداخت دیه و بهره‌گیری از شیوه‌هایی مانند: عذرخواهی، مصالحه و حلقه‌های ترمیمی، زمینه جبران خسارات معنوی وارده بر بزه‌دیدگان را نیز فراهم ساخت؟ و در نهایت، نقش نهادهایی مانند ستاد دیه در تحقق این اهداف و گسترش عدالت

اگر عقل از حوزه‌ای که وحی آن را کنار نهاده، وارد عرصه عدالت کیفری شود و به جایگاه آن در برخورد با کشمکش‌های انسانی و جرائمی که ریشه در جنبه‌های غیرالهی وجود انسان دارند نگریسته شود، می‌توان گفت که بر پایه عالی‌ترین منبع وحی، دو محور اصلی مطرح است: نخست، تربیت فرهنگی و اخلاقی انسان؛ و دوم، تنظیم تقنین و قضا بر مبنای آن تربیت. هدف این دو، دستیابی به جامعه‌ای شایسته و حکمرانی مطلوب است. در این نگاه، اعمال زور، اجبار و مجازات نه اصل، بلکه ابزار ثانوی است. چنین رویکردی در هماهنگی کامل با آموزه‌های قرآنی و فقهی است و به انسان راه رشد، اصلاح و بازگشت به فطرت الهی را می‌آموزد.

۱. از اختلاف و کشمکش بپرهیزید تا احترام شما از بین نرود.^۱
۲. اگر اختلافی پیش آمد با استناد به قوانین الهی با هم مذاکره و صلح کنید.^۲

۳. در هر مرحله از مبارزه طرفین از اختلاف دست برداشته و جبران گذشته نمایند پذیرفته و نیکو رفتار باشید.^۳

اگر این فرض با مبانی و پیامدهای آن پذیرفته و کنار رهنمودهای قرآن کریم در مورد جلوگیری از تجاوز جنگ با متجاوز کیفر کردن او و مقوله‌ی اختلاف، جرم و کیفر قرار گیرد، نتیجه می‌گیریم «کیفر در قرآن مانند جرم شرّ ذاتی است».^۴

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ «و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آن‌ها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آن‌ها را صلح دهید و همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد» (قرآن کریم، سوره حجرات، آیات ۸-۹). «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (و انتقام بدی (مردم) به مانند آن بد رواست (نه بیشتر) و باز اگر کسی عفو کرده و (بین خود و خصم خود را به عفو) اصلاح نمود اجر او بر خداست، که خدا ستمکاران را هیچ دوست نمی‌دارد» (قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۴۰).

۴. «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»؛ (قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۴۰).

برای گسترش حمایت از بزه‌دیدگان در نظام کیفری ایران تبیین نماید.

۱-۱. مبانی قرآنی و فقهی

نهاد دیه یکی از ابزارهای مهم در فقه اسلامی برای جبران خسارت‌های ناشی از جرم، به‌ویژه در جرایم علیه تمامیت جسمانی و نفس، محسوب می‌شود. این نهاد نه تنها کارکردی کیفری دارد، بلکه از منظر قرآن و فقه، ابزاری برای حمایت از بزه‌دیده و بازگرداندن نسبی عدالت در جامعه است.

مستند و مأخذ دیه، آیه ۹۲ سوره نساء قرآن است که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا». یعنی: «هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را به قتل رساند، باید به كفاره آن، بنده مؤمنی را آزاد کند و خون بهای آن را به صاحبش تسلیم کند؛ مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند». بدین ترتیب، دیه مالی است که پرداخت آن به سبب قتل و یا وقوع جنایت بر عضو، بر عهده جانی و یا قائم مقام او می‌باشد و باید آن را به مجنی علیه و یا ولی او ادا کند (Fathi, 2024).

۱. «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ «و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نبویید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است» (قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۴۶).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» «ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود» (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹).

۳. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلَا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا

لذا آخرین راه حل اختلاف انسان‌ها دادرسی بوده و طرفین دعوا، انسان، دارای حقوق کامل و برابرند». در چنین فضای فکری و فرهنگی می‌توان گفت: «عدالت ترمیمی» با مفهوم امروزه، در تمام حوزه‌های اختلاف بشر، به ویژه عدالت جنایی مورد تأکید قرآن کریم است و با عقل و تجربه ی بشری که ادبیات موجود در دنیای به ظاهر غیر دینی غرب، به خوبی نشان داده و مورد آزمون و خطای همه جانبه قرار داده، هماهنگی کامل دارد (Safari, 2016).

از منظر قرآن کریم، آیه ۱۷۸ سوره بقره که به آیه قصاص شهرت دارد، به روشنی بر جواز و حتی ترجیح عفو و دریافت دیه به جای قصاص تأکید می‌کند: «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» این آیه نشان می‌دهد که دریافت دیه نه تنها جایز، بلکه مورد تحسین است و تأکید بر شیوه‌ای انسانی و مسالمت‌آمیز در حل و فصل جنایات دارد.

هرچند قصاص، یکی از شدیدترین کیفرها برای قتل در قرآن ذکر شده^۱، اما خدشه‌ای به ترمیمی بودن سیاست کیفری قرآنی و فقهی در مورد جرائم نسبت به اشخاص وارد نمی‌کند. زیرا در این مورد که قصاص صرفاً حکم اولیه قتل عمد است اختلافی بین فقها وجود ندارد (Khomeini, 2011) و قانون مجازات اسلامی نیز آن را نشان می‌دهد، نکته قابل توجه این است که اولاً شمار وقوع جنایات عمدی، به ویژه قتل، بسیار پایین بوده و عموم جرائم نسبت به اشخاص، در دسته‌ی غیرعمد قرار گرفته که قابل قصاص نیستند و در زمره دیات قرار می‌گیرند.

نهاد دیه در نگاه قرآنی و فقهی، بیش از آن‌که یک مجازات صرف باشد، ابزاری برای حمایت از بزه‌دیده، ترمیم آسیب و حفظ نظم

اجتماعی است؛ به گونه‌ای که ضمن رعایت حقوق مجرم و بزه‌دیده، زمینه صلح، گذشت و بازسازی روابط انسانی نیز فراهم می‌گردد.

۱-۲. مبانی جرم‌شناختی

نظام عدالت کیفری مدرن، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، شاهد تحولی بنیادین در نگاه به بزه‌دیده بوده است؛ تحولی که از تمرکز یک‌جانبه بر بزه‌کار فاصله گرفته و بزه‌دیده را به عنوان محور اخلاقی و انسانی فرآیند عدالت کیفری در نظر گرفته است. در این میان، دو رویکرد نوین در جرم‌شناسی، یعنی «جرم‌شناسی صلح جو»^۲ «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»^۳ و نقشی برجسته در بازاندیشی نسبت به جایگاه بزه‌دیده ایفا کرده‌اند.

نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو، بر پایه مفاهیمی چون آشتی، ترمیم، التیام و بازپیوند اجتماعی شکل گرفته و در تلاش است تا پاسخ جامعه به جرم را از مجازات صرف به التیام رنج‌های وارد شده بر قربانی و بازسازی روابط انسانی سوق دهد. در همین راستا، نهاد «دیه» در حقوق اسلامی و کیفری ایران به عنوان ابزاری کارآمد برای جبران مادی، بازسازی روانی و بازگرداندن کرامت بزه‌دیده، با مبانی این دو نظریه هم‌سویی بنیادین دارد.

از سوی دیگر، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با تمرکز بر نیازهای فرد آسیب‌دیده، خواستار آن است که دولت و جامعه، صرف‌نظر از مسئولیت کیفری بزه‌کار، در قبال بزه‌دیده پاسخ‌گو باشند و حمایت‌هایی در ابعاد مالی، بالینی، اجتماعی و حقوقی برای او فراهم سازند. با توجه به همین بنیان فکری، نهاد دیه که در مواردی از سوی بیت‌المال جبران می‌شود، تجلی عملی چنین رویکردی است.

بر این اساس، قسمت پیش رو می‌کوشد تا با تبیین مفهومی و تحلیلی نهاد دیه در پرتو دو نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو و بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، مبانی جرم‌شناختی حمایت از بزه‌دیده در

². Peaceful Criminology.

³. Victimological Support.

^۱. «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی» و «ولکم فی القصاص حیوة یا اولی الابالب لعلکم تتقون»؛ «قصاص در قتل بر شما واجب نوشته شده و قصاص مایه حیات و زندگانی است» (قرآن کریم، سوره بقره، آیات ۱۷۸-۹).

از راهبردها و شیوه‌های انسانی هم چون مصالحه و میانجیگری می‌باشد (Keramati Moaz, 2024b).

در این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر مجرم و تنبیه او، بر رنج بزه‌دیده، ضرورت جبران خسارت و بازگرداندن تعادل اجتماعی تأکید می‌شود. صلح، هم‌زیستی و بازسازی پیوندهای آسیب‌دیده در مرکز توجه این نظریه قرار دارد. با این وصف نهاد دیه برخلاف کیفرهای دولتی صرف، جایگاهی برای تصمیم‌گیری و اختیار بزه‌دیده قائل است (مثلاً در انتخاب میان قصاص یا دیه)، که به نوعی عدالت مشارکتی و ترمیمی را تقویت می‌کند.

بنابراین نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو، با تأکید بر ترمیم، آشتی، و عدالت مبتنی بر روابط انسانی، بهترین چارچوب نظری برای تحلیل نهاد دیه به مثابه یک ابزار حمایتی از بزه‌دیده در آموزه‌های جرم‌شناسی و فقهی است. این نهاد نه تنها در پی مجازات نیست، بلکه در صدد بازگرداندن آرامش، جبران آسیب و ترمیم شکاف‌های اجتماعی ناشی از جرم است؛ امری که هم‌زمان جنبه فقهی، انسانی و جرم‌شناختی دارد.

۱-۲-۲. نظریه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی

«نظریه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی» یکی از گرایش‌های مهم در بزه‌دیده‌شناسی نوین است که تمرکز خود را از تقصیر احتمالی بزه‌دیده برداشته و به حمایت از بزه‌دیده به عنوان فرد آسیب‌دیده و نیازمند جبران معطوف می‌سازد. در پرتو این نظریه، نهاد «دیه» در حقوق اسلامی و کیفری ایران می‌تواند یکی از نمودهای عملی و حقوقی حمایت از بزه‌دیده تلقی شود.

گاه بزه‌دیده‌شناسی مرتبط با رویکرد واکنش اجتماعی محور است و گاه بزه‌دیده‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی عمل مجرمانه محور (عقلانیت محور) معرفی می‌شود. از یک سو، هنگامی که بزه‌دیده به دستگاه قضایی مراجعه و شکایت می‌کند، عنوان شاکی یا مدعی خصوصی پیدا می‌کند و کنش‌گر عدالت

حقوق کیفری اسلامی - ایرانی را روشن سازد. در این مسیر، تأکید بر مسئولیت اجتماعی نظام عدالت کیفری در قبال قربانیان جرم، و همچنین نقش دیه در فرآیند التیام و احیای حقوق بزه‌دیده، از محورهای اصلی تحلیل خواهد بود.

۱-۲-۱. نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو

«جرم‌شناسی صلح‌جو» که ریشه در رویکردهای انتقادی، انسان‌گرایانه و گاه معنویت‌محور دارد، بر این اصل استوار است که جرم، نتیجه ساختارهای ناسالم اجتماعی، بی‌عدالتی، طرد و خشونت ساختاری است؛ و پاسخ به جرم باید نه بر کیفر و انتقام، بلکه بر آشتی، ترمیم و بازسازی روابط انسانی مبتنی باشد.

این شاخه از جرم‌شناسی مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و در واقع مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش «جرم‌شناسی صلح‌جو» در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌ها است که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرایم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد (Safari & Saberi, 2019).

جرم‌شناسی صلح‌جو (طرفدار صلح) با جنبه‌ها و شاخص‌های متعددی از آموزه‌های جرم‌شناسی انطباق دارد؛ از جمله مهم‌ترین این جنبه‌ها می‌توان به پارادایم «عدالت ترمیمی^۱» اشاره داشت که از منظر فلسفه فکری اصلاح‌مدارانه و ترمیم‌خواه با جرم‌شناسی صلح‌جو در یک مسیر هستند. در واقع جرم‌شناسان صلح‌طلب، عدالت ترمیمی را به عنوان پاسخی صلح‌گرا به جرم می‌شناسند و به نوعی طرفدار عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی هستند، به عبارت بهتر ایجاد عدالت ترمیمی مهم‌ترین رسالت جرم‌شناسی صلح‌طلبانه در جهت بازپروری و بازسازی نظام عدالت کیفری است، از این رو جرم‌شناسی صلح‌جو زمینه‌هایی نو در تغییر اعمال راهبردهای سختگیرانه کنترل جرم، به سمت و سوی استفاده

1. Peaceful Criminology.

2. Restorative Justice.

نهاد دیه در حقوق اسلامی، تجلی عملی از نظریه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است. دیه نه تنها به جبران مالی بزه‌دیده می‌پردازد، بلکه با ورود بیت‌المال در موارد ناتوانی جانی، نقش حمایتی دولت در قبال آسیب‌دیدگان جرم را نیز نهادینه می‌کند. به این ترتیب، می‌توان گفت که نظریه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، یکی از مبانی جرم‌شناسی نهاد دیه در نظام حقوقی اسلامی به شمار می‌رود.

۲. جبران خسارت مادی

در نظام حقوق کیفری، حمایت از بزه‌دیده به‌عنوان یکی از ارکان عدالت کیفری نوین، مستلزم نگاهی چندبعدی به انواع خسارات وارده و سازوکارهای جبران آن‌هاست. در این میان، خسارت مادی ناشی از جرایم منتهی به صدمات بدنی یا فوت، یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین مصادیق خسارت است که در حقوق ایران از طریق نهاد دیه مورد توجه قرار گرفته است. دیه نه تنها ابزاری برای جبران مالی است، بلکه در برخی شرایط می‌تواند بستر تعامل میان بزه‌دیده و بزه‌کار و تحقق نوعی عدالت توافقی (ترمیمی) باشد، به‌ویژه هنگامی که پرداخت آن در چارچوب مصالحه و گفت‌وگو انجام گیرد.

از سوی دیگر، در مواردی که بزه‌کار توان مالی لازم برای پرداخت دیه را ندارد، نهادهایی چون ستاد دیه در قالب سازوکارهای حمایتی وارد عمل شده و امکان جبران خسارت را، ولو به شکل غیرمستقیم، فراهم می‌سازند. ستاد دیه با پرداخت کمک‌هزینه‌ها یا تسهیل سازش، عملاً نقش واسطی میان عدالت کیفری و عدالت اجتماعی ایفا می‌کند.

۲-۱. پرداخت دیه در قالب مصالحه؛ تلاقی عدالت توافقی و حمایت از بزه‌دیده

امکان مصالحه از طریق پرداخت دیه (عدالت توافقی) یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ترمیمی و حمایت از بزه‌دیده در نظام حقوق کیفری ایران با مبانی اسلامی است. نهاد دیه در این چارچوب، نه تنها یک ضمانت اجرای کیفری - مدنی، بلکه یک ابزار مهم برای

کیفری محسوب می‌شود. به این ترتیب، بزه‌دیده در واکنش اجتماعی (قرار تأمین، کیفر و نحوه اجرای مجازات) علیه مرتکب جرم نقش دارد. از این دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی شاخه‌ای از واکنش اجتماعی محسوب می‌شود (Keramati Moaz, 2024a).

به بیانی دیگر بزه‌دیده در تعامل با مرتکب و فرآیند برچسب زنی بر او نقش مؤثری دارد. از سوی دیگر، بزه‌دیده به عنوان یکی از عناصر دخیل در ارتکاب جرم در نظر گرفته می‌شود، عنصری که می‌تواند در ارتکاب جرم نقش داشته باشد، در این جا بزه‌دیده شناسی علت شناختی یا بزه‌دیده‌شناسی علمی مطرح می‌شود. چنین نگاهی به بزه‌دیده‌شناسی در پرتو نظریه عمل مجرمانه و به طور کلی نظریات عقلانیت محور مطرح می‌شود. به این ترتیب، بزه‌دیده‌شناسی دو گونه به خود می‌گیرد: الف. بزه‌دیده‌شناسی علت شناختی (علمی / اولیه)، ب. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ثانویه) (Najafi Abrand Abadi, 2012).

در رویکرد بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، بزه‌دیده نه به عنوان عنصری مؤثر در ارتکاب جرم، بلکه صرفاً به عنوان شهروندی که حقوق او در راستای ارتکاب جرم تضییع شده و نیاز بسیار به حمایت جامعه در رفع خواسته‌ها و ترمیم خسارات وارده بر خود دارد، تلقی می‌شود. بزه‌دیده شناس برآمده از این رهیافت به جای آن که پژوهشگری باشد در جستجوی علل بزه‌دیدگی، مبارزی است برای بازگرداندن حقوق از دست رفته بزه‌دیده، همین امر کافی است تا جنبش علمی بزه‌دیده‌شناسی منحرف شود و به جنبشی مبارزاتی تبدیل شود. بدین ترتیب هدف از مطالعات بزه‌دیده‌شناسی نیز تغییر کرده است و از علت‌شناسی به تلاش در جهت بهبود اوضاع و احوال بزه‌دیده و امداد رسانی به آن‌ها رسیده است. با این وصف جرم‌شناسی با رویکرد بزه‌دیده‌شناسی علت شناختی (علمی / اولیه) در ارتباط و پیوند قرار می‌گیرد (Keramati Moaz, 2024b).

تحقق آشتی، جبران مادی، و کاهش آلام بزه‌دیده در فضای عدالت توافقی محسوب می‌شود.

در دیات این ظرفیت وجود دارد که بتوان رسیدگی را به خارج از سیستم رسمی و میانجی‌گری ارجاع نمود، اما عده‌ای متأسفانه قطعی بودن میزان دیه از سوی شارع را و اینکه بالاصاله مشخص گردیده است یا به واسطه عدم امکان قصاص، مجازات به دیه بدل گردیده است را دلایلی برای رد میانجی‌گری یا عدالت ترمیمی در این موضوع می‌دانند، این در حالی است که معین بودن دیه هیچ گونه ارتباطی با نفی گفتمان ترمیمی در رابطه با آن ندارد (Voravayi & Shakouri, 2021)، چرا که هر نوع ضمانت اجرایی که از تحمیل صرف مجازات بر بزهکار صرف نظر نماید، نوعی ضمانت اجرای ترمیمی بوده و می‌تواند با شرایطی، در حوزه بزه دیده شناسی حمایتی قرار گیرد.

دیه را میتوان نهادی ترمیمی یا جبرانی به شمار آورد که در مقام حل و فصل اختلافات مربوط به دعاوی ناشی از جنایات، بسیار راهگشا و سودمند است. به عبارت روشن‌تر، دیه یک واکنش جبرانی و ترمیمی است که امکان عدم تمسک به ابزارهای کیفری سرکوبگر را فراهم می‌آورد. از این دیدگاه، این راه حل تا اندازه زیادی می‌تواند در بهبود وضعیت جنایی جامعه مؤثر باشد (Mansour Abadi, 2020).

به موجب ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: امکان مصالحه میان جانی و بزه دیده در پرداخت دیه و انجام هر اقدام دیگر توسط جانی فراهم شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «در جنایت شبه عمدی خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در

آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا اولیای دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود». هم چنین ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاتر، بری نمی‌گردد».

جبران ضرر و زیان کسانی که در نتیجه وقوع جرم متضرر شده‌اند، موضوع اساسی عدالت ترمیمی باشد. هدف کلیه فرآیندهای عدالت ترمیمی نیز بهبود و التیام بخشیدن به همین افراد، از جمله بزه‌دیده و حتی خود بزهکار است. البته، مهم‌ترین هدف در این زمینه جبران زیان‌های بزه‌دیده از سوی بزهکار است؛ اگرچه ترمیم آرامش و نظم اجتماعی مختل شده نیز هدف دیگری به حساب می‌آید (Mansour Abadi, 2019).

در عمل نیز دیه بهترین وسیله برای جبران خسارت بزه دیدگان جرایم عمدی از رهگذر فرایند میانجی‌گری می‌باشد، که با توجه به حالت مجرمانه و اوضاع و احوال واقعه، کمتر یا بیشتر از دیه تعیینی از طرف شرع و قانون در نوسان است. نمودهای این روش از اصول آیین‌های فصل اعراب، خون بس اقوام بختیاری، پتر اقوام بلوچ و دیگر رسومات میانجی‌گری جامعه‌ی^۱ در نقاط مختلف کشور است (Hosseinvand, 2015).

در اکثر موارد عمدی بودن جنایات نسبت به اشخاص و قابل قصاص بودن آن‌ها، از رسیدگی‌های طولانی و پر هزینه در مراجع قانونی اثبات نشده یا به دلیل تردید جدی در نحوه‌ی ارتکاب و انگیزه‌ی آن یا رضایت خانواده‌ی بزه دیده به گونه‌ای به رضایت

قرآن کریم آنان را به گذشت دعوت می‌نماید بزهکار نیز در این جلسه اظهار ندامت و پشیمانی می‌کند و آمادگی خویش را برای جبران زیان‌های وارده به بزه دیده یا خانواده وی اعلام می‌نماید، معمولاً نشست‌های فصل با موفقیت به پایان می‌رسد و موجب تحکیم صلح و آشتی در میان اقوام و عشایر می‌شود. Shiri, A. (2018). *Restorative Justice*. Tehran: Mizan Legal Foundation.

۱. «شیوه فصل» در میان عشایر عرب زبان خوزستان، آیین «خون بس» در میان عشایر لر بختیاری، آیین «پتر» در میان بلوچ‌ها و آیین‌های مشابه در میان اقوام مختلف ایرانی از گذشته وجود داشته است و کماکان نیز رواج دارد. مطابق آیین‌ها در صورت وقوع هرگونه اختلافی به خصوص در قتل، بین افراد هر قبیله و عشیره، موضوع از طریق آیین‌های سازشی و توافقی حل و فصل می‌شود؛ بدین صورت که بزرگان هر قبیله مطابق آداب و رسوم جاری، هر گروه از طرفین را در منزل خویش یا مسجد جمع می‌کنند و با بیان خوبی‌های گذشته طرفین و بیان آیاتی از

طرفین و عدم قصاص ختم می‌گردد. پس، بنابراین، قصاص برای تعداد کمی از جنایات نسبت به اشخاص، قابل اعمال است. تعداد کم جنایات قابل قصاص در کنار قابلیت تبدیل به دیه یا قابل گذشت بودن آن خدشه‌ای به این اصل وارد نمی‌کند که سیاست کیفری اسلام در مورد این گونه جرایم حتی از نوع عمد در نگاه اول نه «کیفری» که «ترمیمی» است. حتی می‌توان ادعا نمود که کیفر اولیه در جنایات نسبت به اشخاص دیه است در حالی که اکنون در اکثر کشورها، انواع این جرایم با حبس و اعدام مجازات شده اما سیاست کیفری اسلام در مورد آن‌ها، مبتنی بر «ترمیم» است (Safari, 2016). بنابراین مصالحه از طریق پرداخت دیه، نمونه‌ای بارز از عدالت توافقی و ترمیمی در نظام کیفری اسلامی است که هم با اصول قرآنی و فقهی سازگاری کامل دارد و هم با آموزه‌های نوین جرم‌شناسی هم‌راستا است.

۲-۲. نقش حمایتی ستاد دیه در فرآیند جبران خسارت بزه‌دیده
در نظام عدالت کیفری نوین، حمایت از بزه‌دیده به عنوان یکی از عناصر کلیدی عدالت ترمیمی مورد توجه قرار گرفته است. جبران خسارت مادی وارده به بزه‌دیده، چه از طریق مرتکب جرم و چه از طریق نهادهای حمایتی، نقش مهمی در بازگرداندن احساس عدالت به جامعه و فرد آسیب‌دیده دارد.

ستاد دیه دارای اساسنامه‌ای مشتمل بر پنج فصل ۴۱ ماده ۲۸ تبصره در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۹۴ در مجمع عمومی فوق العاده ستاد دیه به تصویب رسیده است در فصل نخست این اساسنامه تحت عنوان راهبردهای کلی ستاد دیه هدف از تشکیل ستاد دیه این گونه تشریح گردیده است: «هدف ستاد دیه در حوزه آزادی زندانیان و کمک به محکومان قطعی در جرائم غیر عمدی و محکومیت‌های قطعی مالی ناشی از تسبیب و موجب ضمان و دیگر عقود مدنی است. ضمن اینکه مرتکبین جرائم عمدی به کلی از حوزه شمول فعالیت‌های ستاد دیه خارج اند...»

اقدامات ستاد را به صرف پرداخت دیه به بزه دیدگان و آزادی زندانیان نمی‌توان داخل در اجرای فرآیندهای ترمیمی دانست اما همان طوری که در تبصره بند الف این اساسنامه آمده است این ستاد چنانچه بتواند از ظرفیت نهادهای مدنی، تشویق سهامداران کیفری به مشارکت زمینه‌های سازش و صلح و اصلاح ذات البین در زمینه ایجاد یک توافق انسانی بهره نماید (ایجاد توافق نهایی در پرداخت دیه)، آن وقت می‌توان امیدوار به اجرای برنامه‌های ترمیمی در این ستاد باشیم (Voravayi & Shakouri, 2021).

ثمره کار این نهاد نیز همانند کمیته امداد و هلال احمر آزادی محکوم علیه و جبران خسارت بزه دیده است. این ستاد در قالب وام کوتاه مدت یا بلندمدت و یا بلاعوض به زندانیان کمک می‌کند، نکته جالب توجه اینکه گرچه نام ستاد ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان است، این ستاد به مرتکبین جرایم صدور چک پرداخت نشدنی و محکومین به ضرر و زیان‌های ناشی از جرم نیز کمک می‌کند. از آن جا که این ستاد به حمایت نیاز دارد، دولت آیین نامه‌ای را تصویب نموده است که از محل وجوه قرض الحسنه بانک‌ها به مددجویان محکومین به پرداخت دیه در جرایم شبه عمد و خطای محض و... با تشخیص استحقاق مددجو توسط وزارت دادگستری یا ستاد دیه وام بپردازد (Haji Deh, 2008).

نقش حمایتی ستاد دیه در فرآیند جبران خسارت بزه‌دیده، به‌ویژه در مواردی که بزه‌کار توان پرداخت دیه ندارد، نمونه‌ای بارز از حمایت نهادی در راستای تحقق عدالت مادی و اجتماعی است. این نهاد، با عملکرد خود، پل ارتباطی میان بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه مدنی ایجاد کرده و به شکل‌گیری نظامی متوازن‌تر در پاسخ به آسیب‌های ناشی از جرم یاری می‌رساند.

۳. جبران خسارات معنوی

در فقه و حقوق کیفری ایران، دیه به‌عنوان نوعی جبران مالی برای صدمات بدنی یا جانی در نظر گرفته می‌شود و از منظر قانونی،

گردد و ظرفیت‌های موجود برای حرکت به‌سوی یک عدالت بزه‌دیده‌محور تبیین شود.

۳-۱. عذرخواهی

خسارت معنوی از مهم‌ترین انواع خسارات محسوب می‌شود و مشمول اصل کلی جبران خسارت است؛ به این معنا که هرگونه آسیبی که مشروع و نامتعارف تلقی شود، باید از سوی عامل آن جبران گردد و هیچ ضرری نباید بدون پاسخ باقی بماند. این باور وجود دارد که عذرخواهی می‌تواند در روند بهبود وضعیت روانی هم مرتکب و هم بزه‌دیده نقش مؤثری ایفا کند.

همین امر موجب شده است که بسیاری از حقوق‌دانان و دکترا از وضع قوانینی که زمینه عذرخواهی را فراهم و تسهیل می‌کنند، حمایت نمایند. همچنین، قضات نیز گاه با هدف تحقق عدالت ترمیمی، صدور حکم به عذرخواهی را به عنوان بخشی از فرآیند بخشش یا حتی به عنوان نوعی مجازات در نظر می‌گیرند. چراکه هنگامی که مجرم با پذیرش مسئولیت رفتار خود، از عمل ارتكابی ابراز ندامت کرده و عذرخواهی می‌کند، بزه‌دیده آسان‌تر مراحل بهبود را طی می‌کند، زمینه آشتی فراهم می‌شود و امکان بخشش افزایش می‌یابد (Fathi, 2024). عذرخواهی صادقانه و رسمی از سوی بزه‌کار، به‌ویژه اگر با پذیرش مسئولیت، ابراز ندامت و درخواست بخشش همراه باشد، می‌تواند نوعی مرهم روانی برای بزه‌دیده تلقی شود. این عمل اگرچه جبران مادی ندارد، اما با بازگرداندن احساس کرامت، احترام و عدالت به بزه‌دیده، در ترمیم آسیب‌های معنوی مؤثر است.

در فرآیند عدالت ترمیمی، عذرخواهی نمی‌تواند بر بزه‌کار و بزه‌دیده تحمیل شود، بلکه این امر باید از سوی بزه‌دیده درخواست گردیده و در راستای تسکین دردهای روحی و جبران ضررهای معنوی وارده بر وی باشد، نه آن که رفع تکلیفی برای بزه‌کار تا از مجازات وی کاسته شود. لذا، بزه‌کار باید خود را جای بزه‌دیده بگذارد و آنچه را انتظار دارد خود بشنود، برای بزه‌دیده بیان نماید

ماهیتی صرفاً مادی دارد. قانون‌گذار آن را نه به‌عنوان کیفر، بلکه به‌منظور جبران خسارات جسمی یا فوت اشخاص مقرر کرده است. از این‌رو، در ساختار حقوقی آن، دیه به‌طور مستقیم ناظر بر آسیب‌های معنوی یا روانی وارد بر بزه‌دیده نیست. با این حال، در برخی موارد، پرداخت دیه می‌تواند آثار روانی مثبتی برای بزه‌دیده یا اولیای دم به همراه داشته باشد. در صورتی که این پرداخت همراه با ابراز پشیمانی، عذرخواهی و درخواست بخشش از سوی بزه‌کار باشد، یا در چارچوب یک فرآیند مصالحه‌آمیز و مبتنی بر گفت‌وگو انجام گیرد، ممکن است بزه‌دیده احساس کند که حق او به رسمیت شناخته شده و رنج او نادیده گرفته نشده است. در چنین شرایطی، پرداخت دیه نقش در ترمیم آسیب‌های معنوی ایفا کرده و زمینه‌ای برای بازسازی نسبی آرامش روانی و روابط اجتماعی فراهم می‌آورد، هرچند این اثرگذاری، محدود و نسبی خواهد بود.

در همین راستا، جبران خسارت معنوی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و اهداف عدالت کیفری محسوب می‌گردد. از جمله شیوه‌هایی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، عذرخواهی رسمی و صادقانه از سوی بزه‌کار و نیز استفاده از روش حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار در چارچوب عدالت ترمیمی است.

این روش‌ها، به‌ویژه در نظام‌هایی مانند حقوق کیفری کانادا، به عنوان ابزارهایی مؤثر در احیای شأن بزه‌دیده، کاهش آسیب‌های روانی و تسهیل روند آشتی و بازسازی روابط به کار گرفته شده‌اند. اما در حقوق ایران، با وجود پیش‌بینی نهاد دیه به عنوان سازوکاری برای جبران خسارات بدنی و مالی، کمتر به ابعاد معنوی خسارات وارد بر بزه‌دیده و نقش شیوه‌های ترمیمی غیرمالی مانند عذرخواهی یا گفت‌وگوهای ترمیمی توجه شده است. در این گفتار، تلاش می‌شود ضمن تبیین جایگاه عذرخواهی و حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار به عنوان شیوه‌هایی برای جبران خسارات معنوی، امکان هم‌افزایی آن‌ها با نهاد دیه در حقوق ایران بررسی

تا عذرخواهی مؤثر باشد (Keramati Moaz, 2024b). در بسیاری از نظام‌های عدالت ترمیمی، عذرخواهی به‌عنوان یکی از روش‌های جبران غیرمالی مورد تأکید قرار گرفته و حتی در برخی موارد، در کنار دیه یا غرامت مالی به عنوان بخشی از تصمیم قضایی لحاظ می‌شود.

اثر حقوقی این امر آن است که بزهدار با عذرخواهی می‌پذیرد که مقصر است و مسئولیت خطای خود را برعهده می‌گیرد، به همین دلیل است که در بین وکلا رایج است که از عذرخواهی پرهیز کنند؛ چرا که به منزله اعتراف و اقرار به جرم است. از طرفی دیگر هم نمی‌توان بر این اعتقاد بود که قاضی عذرخواهی را واقعی پندارد، چرا که قضات را نمی‌توان ملزم به پذیرش عذرخواهی دانست (Fathi, 2024; Keramati Moaz, 2024b).

همچنین عذرخواهی بزهدار می‌تواند به ترمیم اعتماد اجتماعی نیز کمک کند. وقتی جامعه می‌بیند که بزهدار به اشتباه خود اعتراف کرده و از آن پشیمان است، تمایل بیشتری برای بازپذیری او نشان می‌دهد. این بازپذیری به او اجازه می‌دهد به جای انزوای اجتماعی، به فردی مسئولیت‌پذیر تبدیل شود. این نوع تعاملات، به ویژه در مواردی که بزهدار به‌طور واقعی برای اصلاح خود تلاش می‌کند، به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد حس امنیت بیشتر در جامعه کمک می‌کند (Fathi, 2024; Keramati Moaz, 2024b).

در واقع، دیه به تنهایی ممکن است برای بزه‌دیده کافی نباشد، اما اگر با عذرخواهی تلفیق شود، می‌تواند مکملی برای عدالت معنوی باشد؛ این ترکیب، به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که ارزش زیادی برای حرمت و عذرخواهی قائل‌اند، بسیار مؤثرتر واقع می‌شود.^۱

در پرتو نهاد دیه، عذرخواهی را می‌توان عنصری مکمل برای تحقق عدالت معنوی و روانی در قبال بزه‌دیده دانست. هرچند قانون صراحتاً عذرخواهی را به‌عنوان نوعی جبران خسارت نمی‌شناسد، اما در عمل، این اقدام می‌تواند نقش مهمی در ترمیم روابط، کاهش کینه و تقویت فرآیند صلح و بخشش ایفا کند. تلفیق دیه با عذرخواهی، نمود عینی عدالت ترمیمی در سیستم حقوقی و قضایی است که نه تنها خسارت مادی، بلکه کرامت و احساسات آسیب‌دیده بزه‌دیده را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۳-۲. روش حلقه‌های بزه دیده - بزهدار

«روش حلقه‌های بزه دیده - بزهدار»^۲ یکی از اشکال اصلی عدالت ترمیمی به‌شمار می‌آید (Pranis, 2005). در حقوق ایران و در متن رسوم اجتماعی موجود در جامعه ایرانی هیچ گونه جایگاه ولو حداقلی ندارد و اساساً می‌توان ادعا نمود که حقوق ایران با این نهاد کاملاً ناآشناست. اما این در حالی است که در حقوق کانادا این روش جایگاه قانونی مشخصی دارد و مورد توجه و آزمون واقع شده است.^۳

2. Victim-Offender Circles.

۳. این روش در سال ۱۹۹۹ در مانتوبا در ارتباط با برخی از جرایم ارتكابی جنحه ای خرد مورد آزمون قرار گرفت و طی آن دسته‌های مختلفی از بزهداران و بزه دیدگان که هیچ گونه ارتباطی با همدیگر نداشتند و فقط به جهت ارتباط یافتن با یک جرم خاص با همدیگر اشتراک داشتند، آماده شده و سعی شد که نوع نگرش و توقعات آن‌ها نسبت به نحوه برخورد با تبعات جرم ارتكابی و مرتکب آن سنجیده شده تا نهایتاً موجبات یک گفتگوی مفصل میان آن‌ها فراهم آید و نهایتاً بتوان بر اساس ماحصل این گفتگوها، به راه حل‌های مناسبی برای التیام بخشیدن به احساسات بزه‌دیده و برخورد مناسب با بزهدار دست یافت Umbreit, N. (2001). *Family Group Conferencing: Implication for crime victim*. Minnesota: Center for restorative justice and peacemaking .

۱. بخشش اصیل، نه از سر اجبار یا منفعت‌طلبی، بلکه به‌خاطر رهایی خویشتن از احساسات آزاردهنده‌ای چون خشم، نفرت یا انتقام است. این نوع بخشش، مستلزم تمرین، صداقت درونی و گذر از میل به تلافی‌جویی است. بدون شک، بخشیدن آسان نیست، به‌ویژه زمانی که فرد هنوز درد و آسیب ناشی از خطای دیگران را با تمام وجود احساس می‌کند. اما این حقیقت نیز انکارناپذیر است که ناتوانی در بخشیدن، بزه‌دیده را در چرخه‌ای از رنج و اندوه گرفتار نگاه می‌دارد و مانع از دستیابی او به آرامش و تعادل درونی می‌شود. بخشش، البته به‌معنای انکار خطا یا پذیرش رفتار نادرست دیگری نیست. بلکه فرآیندی است برای رهایی از زنجیرهای درونی رنج، نه فراموشی خطا. کسی که می‌بخشد، ممکن است هم‌چنان دچار درد باشد، اما دیگر اسیر آن درد نیست. به همین سبب است که در بسیاری از آموزه‌های روان‌شناختی، اخلاقی و معنوی، بخشش نه تنها برای بهبود رابطه با دیگری، بلکه به‌عنوان راهی برای التیام روان فرد آسیب‌دیده توصیه می‌شود.

نیز ایفای نقش نماید. در فقه اسلامی، دیه صرفاً یک ابزار کیفری نیست، بلکه با تأکید بر مفاهیمی چون صلح، گذشت و احسان، در پی احیای عدالت اجتماعی و کاهش تنش‌های ناشی از جرم است. از سوی دیگر، جرم‌شناسی نوین، به‌ویژه در دو رویکرد «جرم‌شناسی صلح‌جو» و «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»، نهاد دیه را واجد کارکردی ترمیمی می‌داند؛ زیرا این نهاد در مواردی، امکان میانجی‌گری، جبران عادلانه و بازسازی روانی و اجتماعی بزه‌دیده را فراهم می‌سازد.

اگرچه دیه در ساختار قانونی ایران عمدتاً ناظر بر خسارات مادی است، اما در صورتی که پرداخت آن در قالب مصالحه، عذرخواهی صادقانه و گفت‌وگوهای ترمیمی صورت گیرد، می‌تواند به ترمیم بخشی از صدمات معنوی نیز کمک کند. روش حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار، که در نظام‌های حقوقی پیشرفته مانند کانادا کاربرد دارد، هرچند هنوز جایگاه حقوقی روشنی در ایران ندارد، ولی از منظر فلسفه فقهی و جرم‌شناختی قابل تلفیق با فرآیند پرداخت دیه است؛ مشروط به آن‌که زمینه‌های قانونی، فرهنگی و نهادی لازم برای گفت‌وگوی ترمیمی فراهم گردد.

همچنین، نقش حمایتی نهادهایی مانند ستاد دیه به‌ویژه در موارد ناتوانی مالی بزه‌کاران، مؤید آن است که سیاست جنایی ایران ظرفیت حرکت به سوی عدالت ترمیمی را، ولو در قالب‌های خاص خود، داراست. ستاد دیه با تأمین مالی، تسهیل مصالحه و کاهش فشارهای روانی بر بزه‌دیده و بزه‌کار، در عمل به تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از قربانیان کمک می‌کند.

در مجموع، نهاد دیه با برخورداری از پشتوانه فقهی غنی و انطباق نسبی با آموزه‌های جرم‌شناختی معاصر، ظرفیت آن را دارد که به ابزاری برای تحقق عدالت ترمیمی، کاهش احساس بی‌عدالتی بزه‌دیده، و بازسازی روابط آسیب‌دیده اجتماعی تبدیل شود؛ مشروط بر آن‌که بسترهای قانونی، آموزشی و فرهنگی لازم برای توسعه کارکردهای ترمیمی این نهاد در حقوق ایران فراهم آید.

این روش که طی آن دسته‌ای از بزه‌کاران و بزه‌دیدگان که هر کدام مرتکب یا قربانی جرم خاصی واقع شده‌اند، وارد گفتگو شده و هر کدام در مقام خود تجربیات و احساسات خود را خطاب به دیگری و نمایندگان جامعه محلی ابراز نموده و نهایتاً الگوهای مناسبی را به عنوان راهکار ترمیمی حل و فصل تبعات جرم یا جرایم واقع شده طرح می‌نمایند بر دو پیش فرض «توجه به موقعیت بزه‌کار» و «اولویت بخشیدن به فرایند جبران صدمات وارده به بزه‌دیدگان» استوار می‌باشد، که نهادینه سازی آن‌ها هم در قوانین و هم در رویه جاری شرط توفیق در بستر سازی برای اجرای برنامه ترمیمی مشورت با افراد موصوف در فضایی شبیه سازی شده می‌باشد.

در مواردی که پرونده‌ها با رضایت و مصالحه طرفین ختم می‌شود و بزه‌کار برای جلب رضایت بزه‌دیده مبلغی تحت عنوان دیه یا بیش از آن پرداخت می‌کند، زمینه‌های مشابهی با حلقه‌های ترمیمی شکل می‌گیرد. اگر در چنین فرآیندهایی بستر گفتگو فراهم شود، و طرفین در فضای احترام و تعامل با هم مواجه شوند، می‌توان گفت که شکلی ابتدایی و غیررسمی از عدالت ترمیمی به اجرا درآمده است.

بنابراین روش حلقه‌های بزه‌دیده - بزه‌کار در حقوق ایران جایگاه قانونی ندارد، ولی از نظر فلسفه عدالت ترمیمی می‌تواند با پرداخت دیه هم‌افزایی پیدا کند. پرداخت دیه به‌تنهایی اجرای عدالت ترمیمی محسوب نمی‌شود، مگر اینکه در قالب فرآیند گفت‌وگو و توافق میان طرفین باشد. توسعه این روش در ایران مستلزم اصلاح قوانین، آموزش قضات و نهادسازی حمایتی است.

نتیجه‌گیری

تحلیل نهاد دیه از منظر آموزه‌های فقهی و نظریات نوین جرم‌شناسی نشان می‌دهد که این نهاد نه‌تنها ابزار فقهی-حقوقی برای جبران خسارت مادی ناشی از جرایم علیه تمامیت جسمانی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان سازوکاری ترمیمی و بزه‌دیده‌محور

پیشنهاده‌ها

- تقویت نگاه ترمیمی به نهاد دیه در سیاست جنایی ایرانبا توجه به ظرفیت‌های فقهی و جرم‌شناسی نهاد دیه، شایسته است قانون‌گذار و نهادهای قضایی، پرداخت دیه را صرفاً به‌عنوان جبر مالی تلقی نکرده و آن را در راستای تحقق عدالت ترمیمی، بازسازی اعتماد و جبران آسیب‌های روانی نیز به رسمیت بشناسند؛ به‌ویژه در مواردی که همراه با مصالحه، عذرخواهی یا گفت‌وگو میان طرفین صورت می‌گیرد.

- افزودن عذرخواهی رسمی و مؤثر به‌عنوان یکی از تدابیر جبران خسارت معنوی در مواد قانونی؛ شایسته است قانون‌گذار امکان صدور حکم به عذرخواهی مؤثر و غیرتحمیلی را به‌عنوان بخشی از تدابیر ترمیمی در جرایم علیه اشخاص، در قوانین کیفری یا دستورالعمل‌های قضایی لحاظ نماید.

- گنجاندن الزامات آموزش عدالت ترمیمی برای ضابطان و قضات

در برنامه‌های آموزشی قوه قضائیه و مرکز آموزش قضا؛

- گسترش نقش ستاد از «تأمین مالی دیه» به سمت ایفای نقش فعال

در تسهیل مصالحه، مشاوره و ترمیم روابط بزه‌دیده و بزه‌کار.

- طراحی و اجرا و بومی‌سازی طرح‌های آزمایشی حلقه‌های

ترمیمی بزه‌دیده - بزه‌کار در برخی حوزه‌های قضایی با محوریت

پرونده‌های دارای دیه با توجه به موفقیت الگوی حلقه‌های ترمیمی

در نظام حقوقی کانادا؛

- ترویج فرهنگ گذشت، مصالحه و گفت‌وگو در جرایم شخصی

از طریق برنامه‌های مستند، نمایش‌های حقوقی و فضای مجازی.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In recent decades, the global evolution of criminal justice systems has witnessed a shift from offender-centered punitive approaches to frameworks that prioritize the restoration of victims' rights. This paradigm transformation, encapsulated in the discourse of restorative justice, emphasizes compensating victims, reestablishing dignity, and rebuilding damaged social relationships. Within this broader context, Islamic jurisprudence provides a historically embedded mechanism known as *diyyah* (blood money), which has long served as a means of financial compensation for bodily and fatal injuries. However, the significance of *diyyah* extends beyond its monetary function. In Islamic thought and Iranian penal law, *diyyah* embodies a multifaceted institution—one that can bridge retributive and restorative justice by facilitating material compensation, moral redress, and community reconciliation. The Qur'anic foundation for *diyyah*, particularly found in verses such as Surah An-Nisa 92 and

Surah Al-Baqarah 178, not only mandates financial reparation but also encourages forgiveness, leniency, and reconciliation over retaliation. This reflects an inherently restorative orientation embedded in Islamic legal culture, positioning *diyyah* as an institution capable of fostering social harmony while honoring the rights of victims (Fathi, 2024; Khomeini, 2011).

A deeper jurisprudential examination of *diyyah* reveals its compatibility with modern criminological theories, particularly peace-oriented criminology and supportive victimology. Peace-oriented criminology, rooted in humanistic and reconciliation-based responses to crime, critiques retributive systems and seeks non-violent, dialogue-driven forms of justice. *Diyyah*, when administered in conjunction with restorative dialogue and facilitated by mediating institutions such as the *Diyyah* Headquarters (Setad-e *Diyyah*), aligns closely with these principles. It enables victim-offender mediation, supports social reintegration, and

reinforces a communal sense of justice. Similarly, the framework of supportive victimology underlines the role of state and society in providing comprehensive support—financial, psychological, and social—to victims of crime. In the Iranian legal landscape, state-supported compensation through the Setad-e Diyyah, especially in cases where offenders lack financial capacity, exemplifies the operationalization of these supportive principles. Hence, diyyah reflects a synthesis of classical Islamic teachings and contemporary restorative justice models, allowing for both compensatory and therapeutic benefits for victims (Keramati Moaz, 2024b; Najafi Abrand Abadi, 2012).

From a criminological standpoint, diyyah also represents a concrete mechanism for addressing victims' material needs in a non-punitive and socially constructive manner. The institution functions within a legal framework that allows for consensual resolution between the offender and the victim's family, thereby reducing recourse to punitive incarceration. Provisions in Iran's Penal Code, such as Articles 450 and 452, explicitly endorse reconciliation and payment of diyyah in lieu of more severe penalties. When diyyah is situated within a restorative process—featuring dialogue, acknowledgment of harm, and symbolic gestures like apology—it contributes to emotional healing and community reconciliation. Moreover, in practical scenarios, especially where formal justice mechanisms may fail to yield satisfactory outcomes, traditional mediatory practices like blood settlements and tribal customs often operate within or alongside the formal system. These culturally rooted practices demonstrate the functional compatibility between diyyah and restorative mechanisms, reinforcing its relevance in both contemporary jurisprudence and community-based justice systems (Mansour Abadi, 2020; Voravayi & Shakouri, 2021).

Beyond material restitution, the symbolic and psychological dimensions of diyyah merit special attention. Restorative justice advocates argue that financial compensation alone cannot fully address the trauma and emotional harm experienced by victims. Acts such as sincere apologies and acknowledgment of wrongdoing are pivotal in restoring victims' sense of dignity. In this regard, Islamic and restorative justice principles converge. The practice of offering diyyah accompanied by an explicit apology can lead to deeper emotional relief, fostering an environment conducive to forgiveness and closure. This dynamic underscores the importance of integrating non-material forms of reparation into legal and cultural interpretations of diyyah. The challenge, however, lies in formalizing these practices within legal procedures while preserving their authenticity. Countries like Canada have institutionalized victim-offender mediation circles to facilitate this form of justice. Although Iran lacks such institutional structures, its cultural emphasis on reconciliation, coupled with legal recognition of diyyah, presents fertile ground for the development of hybrid models that incorporate elements of restorative justice (Fathi, 2024; Keramati Moaz, 2024b).

Another significant dimension explored in this study is the potential integration of victim-offender circles—formal restorative dialogues—within the diyyah process. While such practices remain largely absent in Iranian jurisprudence, their alignment with the goals of Islamic penal philosophy is evident. These circles, as implemented in legal systems such as Canada's, involve facilitated interactions between victims, offenders, and community representatives, focusing on mutual understanding, accountability, and agreement on reparative actions. In the Iranian context, informal analogs exist in the form of tribal and religious dispute resolution traditions. The incorporation of structured dialogue-based

processes into the diyyah framework could enhance its restorative efficacy. To achieve this, legal reform, judicial training, and institutional support are essential. Establishing pilot projects, perhaps within the jurisdiction of the Setad-e Diyyah, could serve as a pragmatic first step toward institutionalizing restorative practices that are both culturally consonant and legally sound (Pranis, 2005; Safari & Saberi, 2019).

In conclusion, the institution of diyyah holds significant potential as a bridge between retributive and restorative justice paradigms in Iran. While its current application predominantly serves material compensation for bodily harm or loss of life, its jurisprudential foundations and cultural context allow for broader interpretations. By embedding restorative practices—such as apology, mediation, and dialogue—into the diyyah process, the Iranian criminal justice system can evolve toward a more victim-centered, humane, and socially integrative model of justice. The involvement of institutions like Setad-e Diyyah further enhances the system's capacity to support victims, especially in financially constrained scenarios. Future reforms should aim to harness these latent potentials, transforming diyyah from a mere financial mechanism into a holistic tool for healing, reconciliation, and sustainable justice.

References

- Fathi, M. J. (2024). *Response to Crime, Punishment, and Protective and Educational Measures*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Haji Deh Abadi, A. (2008). *Compensation for Victims at the Expense of the Government and Public Institutions*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute.
- Hosseinvand, M. (2015). *Criminal Mediation in Light of Restorative Justice Teachings*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Institute.
- Keramati Moaz, H. (2024a). *Criminology (New Topics in Criminology)*. Publishing Company.
- Keramati Moaz, H. (2024b). *Legal and Criminological Analysis of Apology for Moral Damage Resulting from Crime. Applied Criminology Research, 2IS - 5*.
- Khomeini, S. R. (2011). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Mansour Abadi, A. (2019). *General Principles of Criminal Law*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Mansour Abadi, A. (2020). *General Criminal Law 3*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Najafi Abrand Abadi, A. H. (2012). *Lectures on Criminology (Globalization) degree=Master's Degree*.
- Pranis, K. (2005). *The Little Book of Circle Processes: A New/Old Approach to Peacemaking*. Good Books.
- Safari, A. (2016). Diya in Islamic Law; A Restorative (Non-Punitive and Victim-Centered) Alternative for Crimes Against Persons. In F. Mohammad (Ed.), *Encyclopedia of Restorative Justice*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Safari, A., & Saberi, R. (2019). Peaceful Crime Science: Its Approach to Crime and Strategies for Combating Crime. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*, 14(53).
- Shiri, A. (2018). *Restorative Justice*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Umbreit, N. (2001). *Family Group Conferencing: Implication for crime victim*. Minnesota: Center for restorative justice and peacemaking.
- Voravayi, A., & Shakouri, J. S. (2021). *Restorative Justice in Iran*. Tehran: Khorsandi Publications.